



روزنامه نگار
فریدون سلیمان‌نژاد

اهانت به مقدسات اسلامی توسط اروپایی‌ها سابقه‌ای کهن دارد. وقایع رخ داده در جریان اخراج مسلمانان از اسپانیا که اروپاییان، آن را جنبش استرداد خواندند و حدود چهار قرن از اوایل قرن یازدهم تا اواسط قرن پانزدهم میلادی به‌طول انجامید ودر جریان آن بسیاری از مسلمانان مقیم آندلس کشته شدند ومساجد بسیاری، تخریب وقرآن‌های بسیاری سوزانده شد می‌توان کهن‌ترین اقدام تحت نظر یک دولت خاص اروپایی علیه اسلام دانست؛ البته در جنگ‌های صلیبی قرون یازدهم تا سیزدهم میلادی هم توهین‌های بسیاری به‌دین اسلام ومسلمانان شد اما این جنگ‌ها تحت هدایت کامل یک دولت نبود وبیشتر از طرف رهبری دینی یعنی پاپ تازهری سیاسی خاص هدایت می‌شد. این روند درسال‌های گذشته ازآن زمان، بارها تکرار شده است وسران دولت‌های اروپایی ازاین حربه به‌عنوان نوعی تحقیر علیه مسلمانان استفاده کرده‌اند. افزایش قدرت منطقه‌ای برخی کشورهای اسلامی چون ایران و ترکیه در نیم قرن اخیر ودرنتیجه تأثیر اندیشه‌های حاکم بر این کشورها بر مسلمانان اروپا، اوضاع را به‌گونه‌ای رقم زده است تا برخی سران کشورهای اروپایی بار دیگر به‌سرآ استفاده ازاین حربه‌نخ نما برونند، حرکتی که‌باتوجه‌به‌رخداد‌های ضداسلامی دهه اخیر دراروپا، می‌توان دولت سوئد راسردمدار آن تلقی کرد. نگاهی کوتاه به‌تعداد این رخداد‌های ضداسلامی در ۱۰ سال گذشته در سوئد، این ادعا را تأیید می‌کند. «راسموس پالودان»، رهبر اسلام‌ستیز حزب راست افراطی «استرام‌کورس» دانمارک، سال ۲۰۲۰ در شهر مالمو سوئد باآتش زدن نسخه‌ای ازقرآن مجید، به‌این‌کتاب آسمانی وجامعه مسلمانان سوئد توهین کرد. این حرکت باواکنش شدید مسلمانان دنیا روبه‌رو شد وبسیاری از کشورهای اسلامی، سفیران خود را از سوئد احضار کردند اما دولت این کشور به‌بهانه آزادی بیان از این اقدام حمایت کرد. همین امر باعث شد این سیاستمدار تندرو دانمارکی بار دیگر در سال ۲۰۲۲ یک نسخه از قرآن را مقابل مسجدی در سوئد بسوزاند. اودر همین سال، قرآنی را هم در شهر «لینکوپینگ» سوئد، تحت حفاظت پلیس سوزاند. این فرد اول بهمن سال گذشته هم نسخه‌ای ازقرآن کریم رامقابل سفارت ترکیه درشهر استکهلم سوزاند. نکته تأمل برانگیز این اقدام، مجوزی بود که دولت و پلیس سوئد صادر وآن را در پوشش «آزادی بیان» توجیه کردند. «اولا استرلینگ»، سخنگوی پلیس سوئد، به‌بهانه حمایت از آزادی بیان در توجیه این اقدام اهانت‌آمیز گفته بود: «قانون اساسی سوئد از حمایتی قوی برخوردار است وباید بدانید که ارزش آزادی بیان بسیار مهم است.» [۱]

در آخرین گام از این توطئه ضداسلامی، دولت سوئد چهارشنبه‌گذشته وهم‌زمان باعید سعید قربان، زمینه‌ای را فراهم کرد تا یک سوئدی سی‌وهفت‌ساله عراقی‌الاصل به‌نام سلوان مومیکا پس ازآنکه پلیس مجوز برگزاری تظاهراتی را صادر کرد، یک نسخه ازقرآن را پاره کند ودر مسجد مرکزی استکهلم به‌آتش



بکشد.

و اما چرایی این پشتتازی دولت سوئد در توهین به مقدسات اسلامی را با بررسی دومیوضوع می‌توان به‌راحتی درک کرد؛موضوع نخست، جایگاه مسلمانان در این کشور است. تحقیقات نشان می‌دهد که این جامعه بزرگ‌ترین جامعه در حال رشد سوئد است وهمین امر رنگ خطر را برای سیاست‌مداران این کشور که اغلب دارای گرایش‌های نژادپرستانه هستند، به‌صدا درآورد است به‌گزارش «مرکز تحقیقات پیو (Pew Research Center) واقع در واشنگتن که به‌ارائه‌گزارش‌های آماری درباره‌نگرش‌ها در سراسر دنیا می‌پردازد. جمعیت مسلمانان اروپا سال به‌سال در حال افزایش است. به‌گزارش این مرکز آمریکایی، جمعیت مسلمانان اروپا از ۲۹/۶ میلیون نفر در سال ۱۹۹۰ به بیش از ۴۴ میلیون نفر در سال ۲۰۱۰ رسیده است. «پیو» در سال ۲۰۱۱ برآساس روند افزایش جمعیت مسلمانان، پیش‌بینی کرده بود جمعیت مسلمانان اروپا در سال ۲۰۲۰ به بیش از ۵۱ میلیون نفر می‌رسد واین عدد در سال ۲۰۲۳ به ۵۸/۲ میلیون نفر خواهد رسید. به‌گزارش «پیو»، در سال ۲۰۱۶، ۸۰ درصد از جمعیت سوئد را مسلمانان تشکیل می‌دادند که با توجه به میانگین منطقه اروپا، عدد درخوهر ملاحظه‌ای است ودر رتبه‌های نخست قرار دارد. گزارش «پیو» پیش‌بینی می‌کند که جمعیت مسلمان حاضر در سوئد در سال ۲۰۵۰ بدون احتساب مهاجران مسلمان، به ۱۲ درصد و با احتساب مهاجران مسلمان، به ۳۰/۶ درصد خواهد رسید که در منطقه اروپا، در هر دو حالت، رتبه اول و دوم را خواهد داشت. مرکز تحقیقات پیو همچنین رشد جمعیت مسلمان سوئد درباره ۲۰۱۰ تا ۲۰۳۰ را بیش از دوبرابر دانسته است. بر این اساس، می‌توان گفت که افزایش اقدامات اسلام‌ستیزانه‌ای که با حمایت دولت سوئد انجام می‌شود، تلاشی است مذبوحانه برای مقابله با رشد شتابان جمعیت مسلمانان تا با این حربه بتوانند مسلمانان را یکی از دلایل ناامنی سوئد معرفی کنند.

دیگر دلیل این حرکت نیز معادلات سیاسی درون اروپایی است. دولت سوئد آگاه است که بزرگ‌ترین مخالف پیوستن این کشور به ناتو، کشور ترکیه وشخص اردوغان است. دلیل این مخالفت هم حضور تعداد درخورتوجهی از مخالفان کرد دولت ترکیه در سوئد است. بر همین اساس، دولت سوئد با نشان دادن کنترل‌شده بودن اسلام‌ستیزی، در این کشور، قصد دارد ترکیه دارای حکومت اسلام‌گرا را وارد به‌معامله‌ای کند که در جریان آن، ترکیه بدون پیگیری استرداد کردهای مخالف و تنها به‌شرط پایان حمایت دولتی از اسلام‌ستیزان در سوئد با عضویت این کشور در ناتو موافقت کند، معامله‌ای که نشدنی است. زیرا دولت ترکیه فقط یکی از دولت‌های معترض به اقدامات اسلام‌ستیزانه دولت راست‌گرای سوئد است. ناگفته نماند که تخریب‌نشان داده است این اقدامات دولتی اسلام‌ستیزانه نه تنها منجر به کاهش گرایش به اسلام نمی‌شود، بلکه مردم را بیش از قبل به‌این دین الهی متمایل می‌سازد.

[۱] برگرفته ازگزارشی باتیتر: «قرآن سوزی، آزادی بیان یا تسویه حساب سیاسی؟» که دوم بهمن ۱۴۰۱ در خبرگزاری ایسنا منتشر شد.

نقشه‌ای شوم برای تحریک گروه‌های افراطی

شهرآرا در پرونده‌ای به واکاوی ابعاد گوناگون هتک حرمت اخیر به ساحت قرآن کریم پرداخته است



عکس: فارس

این جنایت، آن است که مسلمان‌ی خدای‌ناکرده به انجیل اهانت کند که بی‌شک از دید اسلام چنین عملی محکوم است. شما این نکته را در نظر داشته باشید که پرچم نماد حاکمیت است. باید میان مقدسات ۲میلیارد انسان با نمادهای سیاسی یک جریان حاکمیتی تفکیک قائل شد. علاوه بر این، آتش‌زدن پرچم آمریکا هم نه به انگیزه توهین به ملت آمریکا، بلکه به‌عنوان نماد یک تفکر در دستور کار قرار می‌گیرد، تفکری که در تلاش است تا بر جهان حکمرانی کند. خود را قطب عالم و آقای دنیا می‌داند و در این راه جز به قربانی کردن ملت‌ها نمی‌اندیشد. در این اوضاع نمی‌توان آتش‌زدن نماد حکومت طاغوتی این اندیشه را با مصحف شریفی مقایسه کرد که مقدس‌ترین سرمایه‌مادی یک دین الهی است.

● ارزیابی شما از پیامدهای احتمالی این رفتار موهن چیست؟

من معتقدم که مسلمانان باید به‌صورت گسترده و یکپارچه اعتراض کنند. اما اعتراض در قالب ترور و انتحار از نظر اسلام ممنوع است. از سوی دیگر، مقابله موضوعی است که اگر هوشمند برگزار شود، می‌تواند تأثیرگذاری بیشتری نسبت به عرصه‌های سخت و خشونت‌بار داشته باشد. مثلاً صنعت خودروسازی سوئد تا حد زیادی در کشورهای اسلامی فعال است. دیگر محصولات سوئدی هم در بازار جهان اسلام یافت می‌شود و اگر این اقدام تحریم شود، خسارت سنگینی به کشور موهن تحمیل خواهد شد.

یک خوبی دیگر این گونه واکنش‌ها هم آن است که اگر سوئدی‌ها اعتراض کردند، می‌توانیم بگوییم به‌دلیل آزادی بیان نمی‌توانیم جلو اراده ملت‌ها را بگیریم!

● ارزیابی شما از واکنش دولت‌های کشورهای اسلامی به این رخداد تلخ چیست و آیا می‌توان امیدوار بود که این اتفاق موهن به انجام بیشتر کشورهای اسلامی در سطوح حاکمیتی بینجامد؟

بله. دستگاه‌های سیاسی باید متحد باهم عمل کنند. این یک مسئله مهم است که فراتر از مرزهای جغرافیایی، پاسخی مؤثر و هدفمند می‌طلبد. ما باور داریم که این بیچاره‌ها تلاش دارند تا نور خدا را با دهانشان خاموش کنند. درحالی‌که حتی همین تهدید می‌تواند به‌مثابه یک فرصت، مورد استفاده امت‌های اسلامی قرار بگیرد و دشمن مشترک، وحدت را در کشورهای مسلمان احیا کند.

دین‌داران آن است که اساس هر واکنشی باید اقدام علمی، منطقی و عقلانی باشد. خداوند عالم در آیه ۸۲ سوره مبارک که مائده می‌فرماید: «وَلْتَجِدْنَ أَقْرَبَهُمْ مُّؤَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْآذِينَ قَالُوا إِنَّا نَضَارِي» این آیه خطاب پروردگار متعال به مسلمانان است که آنان را به دوستی و مودت با دیگر امت‌های یکتاپرست سفارش می‌کند و می‌گوید که شما اگر به‌دنبال قومی باشید که به شما از همه مهربان‌تر هستند، می‌توانید از مسیحیان سراغ بگیرید. زیرا بیشتر آن‌ها دانشمند هستند و در برابر حکم خدا سرکشی نمی‌کنند.

● دولت سوئد این جنایت را در راستای آزادی بیان تعریف کرده است؟ آیا جلوگیری از اقدام این فرد مغایر با آزادی بیان نبود؟

بی‌شک این آزادی بیان نیست. آزادی بیان با آزادی توهین و اهانت یکی نیست. اگر مقامات سوئد مسئله آزادی بیان را بهانه می‌کنند، در اینجا چند نکته وجود دارد که باید یادآوری شود؛ یکی اینکه اعطای چنین آزادی‌هایی در عمل با مجازدانستن قانون گریزی مقارن است و جز کشاندن کشور به فقرای مذلت و تباهی، دستاورد دیگری نخواهد داشت. این مسیری بی‌پایان است و اگر امروز بخواهد با قانونی دانستن توهین به ادیان الهی آغاز شود، معلوم نیست چه سرانجامی خواهد داشت و در گام بعد، قانونی‌شدن چه موضوعی را مطالبه می‌کند.

البته ذکر یک نکته خالی از لطف نیست. همه ما می‌دانیم که این آزادی بیان فقط ادعایی موهوم است. درحالی‌که دولت سوئد آزادی بیان را بهانه اعطای مجوز به فرد هتاک دانسته، کافی است تلاش کنید در استکهلم همایش یا تجمعی با محوریت هو لو کاست، تشریح جنایات صهیونیست‌ها در فلسطین یا محکومیت ترور شهید سلیمانی برگزار کنید. اگر آزادی بیان حقیقی در اروپا حکم‌یاری بود، نباید این طور می‌شد که دیدیم سال گذشته میلادی با برگزاری تجمعی به مناسبت روز قدس مخالفت شد، اما دقیقاً یک هفته بعد، برای قرآن سوزی مجوز صادر کردند.

● دیروز رسانه‌های مهاند تلاش کردند که هتک حرمت شهوند سوئدی به قرآن کریم را با آتش‌زدن پرچم آمریکا در راهپیمایی‌های مردم ایران مقایسه و از آن قبح‌زدایی کنند. نظر شما چیست؟

این مقایسه، قیاس هم‌ترازی نیست. معادل مشابه برای

اروپایی صورت می‌گیرد. به نظر شما می‌توان این‌طور تحلیل کرد که وقوع این جنایات، اقدامی برنامه‌ریزی‌شده برای سنجیدن ملت‌های مسلمان است؟

شاید این نگاه در وهله اول تحلیل سخت‌گیرانه‌ای باشد، اما وقتی شما به خبث طینت طرف مقابلتان نگاه می‌کنید، امر دور از ذهنی به نظر نمی‌رسد. من به این مسئله اعتقاد دارم. در ظاهر ممکن است به نظر برسد که یک فرد سبک‌مغز توهینی کرده و عملی از او صادر شده است که نشان از موضع فردی‌اش دارد. اما هیچ بعید نیست که از توهین شارلی هبدو در فرانسه تا اقدام

ردالت‌بار یک فرد سوئدی عراقی، همگی در قالب طرحی سازمان‌دهی شده و هدفمند باشد تا در نهایت عیار باورهای دینی و عمق اعتقاد ملت‌های اسلامی را بسنجند. بنابراین می‌توان تصریح کرد که واکنش امت اسلام نشان‌دهنده میزان تقید ما به اعتقاد اتمان است و اگر مسلمانان اعتراض نکنند، این بی‌غیرتی می‌تواند سرآغازی برای آغاز هجمه‌ها و حملات سخت‌ونرمی باشد که امت اسلام را دچار فروپاشی و براندازی خواهد کرد. نظریه سازمان‌یافته‌بودن این اقدامات، یک دلیل منطقی دیگر هم دارد. نقش تمدنی قرآن کریم و آمار فزاینده تشریف مردم و حتی شخصیت‌های سرشناس اروپا به دین مبین اسلام به‌روشنی می‌تواند نشان دهد که مقامات دولتی و نهادهای حاکمیتی تا چه حد احساس درخطر کرده‌اند. این فرصتی مؤثر است تا با اهانت سازمان‌یافته به مقدسات اسلامی، جوانان کشورهای مسلمان را تهییج و تحریک کنند که به انگیزه انتقام، ملحق شوند و دود این جریان درنهایت به چشم امت اسلام برود.

● آیا از دید ادیان مسیح و یهود نیز توهین به مقدسات اسلامی امری مذمت‌شده محسوب می‌شود؟

همه پیروان ادیان ابراهیمی و یکتا پرستان، اگر آزاده باشند و به مبانی دینشان باور قلبی داشته باشند، از این حرکت ابراز انزجار می‌کنند. آموزه اصلی دین به



نقش تمدنی قرآن کریم و آمار فزاینده تشریف مردم و حتی شخصیت‌های سرشناس اروپا به دین مبین اسلام به‌روشنی می‌تواند نشان دهد که مقامات دولتی و نهادهای حاکمیتی تا چه حد احساس خطر کرده‌اند. این فرصتی مؤثر است تا با اهانت سازمان‌یافته به مقدسات اسلامی، جوانان کشورهای مسلمان را تهییج و تحریک کنند که به انگیزه انتقام، گروهک‌های تروریستی و تکفیری ملحق شوند و دود این جریان درنهایت به چشم امت اسلام برود

● ریشه بروز احساسات در جامعه اسلامی چیست؟ اگر خداوند وعده داده است که از قرآن حفاظت می‌کند، اعلام موضع مسلمانان چه ضرورتی دارد؟

وعده صیانت در قرآن کریم با همان «إِنَّا نَحْنُ نُحَافِظُ الْقُرْآنَ وَابْنَاهُ لِنَحْفِظَهُ» که در آیه ۹ سوره مبارک که حجر به آن اشاره شده است، وعده صیانت از محتوا و اصالت قرآن است. بنابراین حفاظت از ظاهر و تجلی مادی آن در قالب جلدهای مصحف شریف، مسئولیتی است که مسلمان نباید در قبال آن بی‌تفاوت بماند. روایات و احادیث پرشماری هم درباره ضرورت‌های این غیرت دینی سفارش دارد (۱) و اهل بیت (۲) تأکید داشته‌اند که مسلمانان باید بر اساس اعتقاداتشان، باور داشته باشند که این کتاب آسمانی معجزه جوادان رسول گرامی اسلام (ص)، کلام خداوند عالم و مایه هدایت بشریت است.

همچنین که قرآن کتاب عقل، منطق، علم و برهان است، همان‌طور که علامه طباطبایی در کتاب شریف «تفسیر المیزان»، می‌فرمود قرآن مردم را به هرچه دعوت کرده، دلیل ذکر کرده است. در همین اوضاع است که می‌گوییم حتی اگر کسی به قرآن اعتقاد ندارد، باید اندیشه‌اش را در مجامع علمی مطرح کند. شیعه را بگوید و پاسخ را بشنود، نه اینکه توهین کند و مقدسات ۲میلیارد مسلمان را پیش چشم رسانه‌ها به آتش بکشد.

در این اوضاع، وقتی مسلمانان مشاهده می‌کنند چنین برنامه‌هایی با چراغ سبز کشورهای غربی و به‌دست افراد افراطی و معلوم الحال رخ می‌دهد، بدیهی است که امت خشمگین شود.

● اشاره کردید که این اقدامات با چراغ سبز دولت‌های

مرتضی محمدپور

عبد قربان امسال یکی از اعیادی است که حتی در جشن یک مناسبت دینی، قلب ملت‌های مسلمان محزون و دردمند است. این‌بار از وقوع حادثه‌ای مانند فاجعه منا خبری در میان نیست، اما فاجعه‌ای دیگر، کیلومترها دورتر و در استکهلم، پایتخت کشور سوئد، اتفاق افتاده و به‌جای جان چندصد نفر از حجاج، قلب ۲میلیارد مسلمان را هدف قرار گرفته است.

همه چیز از آنجا شروع شد که ویدئویی جدید در خبرگزاری دولتی سوئد انتشار یافت. پیش از آن در فضای مجازی زمزمه‌هایی از یک هتک حرمت جدید به قرآن کریم مطرح شده بود، اما همه امیدوار بودند تا به نحوی تکذیب شود. با این حال، تأیید این خبر و اندکی پس از آن، انتشار تصویر پاره‌کردن چند صفحه از مصحف شریف و سپس آتش‌زدن آن به‌دست یک فرد سوئدی عراقی، موج عظیمی از واکنش کاربران را در پی داشت، از آن‌هایی که در محل وقوع حادثه مخالفتشان را با ندای تکبیر نشان دادند تا دسته‌های عظیم مسلمانان در ایران، عراق، سوریه، یمن، پاکستان و افغانستان. تجمع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی پس از نماز جمعه نیز در زمرة همین مصادیق خشم مقدس تعریف شد و مشته‌های گره کرده، چهره‌های برافروخته و طنین فریاد تکبیر مشهدی‌ها نشان داد که این انزجار فراگیر تا چه حد عمیق و شدید است. حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی شریعتی تبار، استاد حوزه‌ودانشگاه، مخاطب این گفت‌وگوست تا از ابعاد پیدا و پنهان این جنایت بیشتر بگوید.

سوئد در برابر سوئد

شریف شیرزاد

«و الجاهلهم بالئى هئى أحسن»* گرچه اکنون همه‌ما جرّار می‌دانند، این‌جلازم است یک‌بار دیگر آن را مرور کنیم: پلیس سوئد که پیش‌تر با صدور مجوز برای برگزاری تجمع قرآن سوزی در استکهلم مخالفت کرده بود، پس از رأی دادگاه استیناف این کشور به‌این مضمون که پلیس دلایل کافی برای ممنوع کردن قرآن سوزی ندارد، اعلام کرد خطرات امنیتی ناشی از این کار چندان نیست که توجیهی برای رد این درخواست فراهم آورد ودرنتیجه به‌این کار تن داد وسرانجام مردی عراقی تبار به‌نام سلوان مومیکا جلو چشم حدود دویست مسلمان یک نسخه از قرآن را آتش زد. او گفته است از آتش‌زدن قرآن قصد توهین به‌مسلمانان را ندارد وقطع می‌خواهد دیدگاهش را درباره این کتاب بیان کند.

سوئد کشوری است بانظام پارلمانی که احزاب لیبرال در آن کرسی‌های بسیار دارند. بنابراین، کاملاً معقول است که بخواهیم قوانینش با اندیشه‌های لیبرال هم‌خوانی داشته باشد. اما آیا چنین است؟ اینجا (و شاید هیچ کجا) نخواهیم توانست درباره همه قوانین این کشور وهم‌خوانی آن با اصول لیبرالیسم (از هر ستنخی که باشد) سخن بگوییم وبه‌داوری بنشینیم وناچار کار را به‌همین حکم اخیر محدود می‌کنم: آیا رأی دادگاه استیناف با آموزه‌های لیبرالیسم (نه با اعتقاد مسلمانان یا عامه

دین‌داران) تناسب دارد؟ پرسش کم‌اهمیت‌تر این است: آیا سلوان مومیکا فقط دیدگاه شخصی‌اش درباره قرآن را بیان کرده است؟ پاسخ من به‌هر دو پرسش منفی است.

بسیاری، ازجمله برخی نظریه پردازان بزرگ لیبرالیسم، مثلاً جان رالز، برجسته‌ترین فیلسوف سیاسی سده بیستم، و کارل پوپر، فیلسوف اتریشی بریتانیایی پرفروش، و برنارد ویلیامز، فیلسوف بریتانیایی اخلاق، ضمن آثارشان ناگزیر به‌موضوع «مدارا»، نیز پرداخته‌اند. ازاین بین، رالز در دو کتاب اساسی اش، یعنی «نظریه‌ای درباب عدالت»، و «لیبرالیسم سیاسی»، با تفصیل بیشتری به‌این امر پرداخته و مدارا را بیشتر محصول ستیزهای دینی دانسته است. درواقع، بسیاری از کسانی که آغازگر راه مدارا وروداری بودند وپای در آن گذاشتند، دین‌داران بودند؛ دین‌دارانی که به‌گوهر مشترک بین ادیان ایمان آورده بودند و آن را وسیله‌ای برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز اعضای یک جامعه می‌دانستند که ازجمله دربارهای دینی نیز اختلاف‌نظر دارند.

حال ببینیم این فیلسوفان درباره کسانی که خود روادار نیستند، درباره نامداراگران وراه‌رورش رویارویی باایشان چه گفته‌اند. پوپر در «جامعه‌بازو دشمنان آن»، چنین نوشته است: «... بر‌درباری نامحدود لزوماً به‌نابودی بر‌دباری می‌انجامد. اگر دامنه بر‌دباری را و تسامح نامحدود را حتی



آزادی برای پاسداشت خود آزادی، نمی‌خواند. زیرا آن امنیت‌هایی را که رالز یادآور شده، به‌خطر انداخته است. این رأی حتی با اصول پیامدگرایی که عده‌ای از لیبرال‌های شاخص، متفکرانی مانند جرمی بنتام و جان استیوارت میل، هم از برخی انواع آن دفاع می‌کنند نیز جور در نمی‌آید. دقت کنید: یک عرب عراقی، در روز بزرگ‌ترین عید مسلمانان در موسم گردهمایی فرقه‌های مختلف اسلامی در مراسم حج، کتابی را که همه آنان مقدسش می‌دانند، سوزانده است. سوئد باهمین تعداد زخمی‌وواکنش ترکیه و جلسه فوری سازمان همکاری اسلامی چه خواهد کرد؟

به‌نابردباران گسترش دهیم و اگر حاضر به‌مدافعه از یک جامعه بردبار در برابر تاخت و‌تاز نابردباران نباشیم، نه تنها بردباران، بلکه خود بردباری را نابود کرده‌ایم. رالز نیز در «نظریه‌ای درباب عدالت» آورده است: «هرچند فرقه نامداراگر، خود، حق ندارد به‌نامداراگری اعتراض کند، مداراگران تنها هنگامی مجازند آزادی او را محدود سازند که صادقانه و بر پایه دلایلی به‌این‌باور رسیده باشند که امنیتشان و امنیت نهادهای آزادی درخطر است.»

● اکنون زمان آن است که پاسخ منفی به پرسش نخست رافدری بسط بدهیم: رأی دادگاه استیناف با آموزه‌های لیبرالیسم، دست‌کم درباره مدارا و ضرورت تحدید